

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۴۱۰ - ۳۹۱

## مقایسه نص گرایی در قرائیم و حنابله

میترا رضایی گازرخانی<sup>۱</sup>

ظاهره حاج ابراهیمی<sup>۲</sup>

### چکیده

در یهودیت و اسلام فرقه‌هایی با عنوان قرائیم و حنابله شکل گرفتند که هر کدام برداشت خاص خود را نسبت به کتاب آسمانی و سنت داشتند. این مقاله با اشاره‌ای به خلاصه‌ی شکل‌گیری و دیدگاه هر فرقه به مقایسه‌ی نص‌گرایی در فرق قرائیم یهودی و حنابله اسلامی می‌پردازد و نیز تفاوت‌ها و شباهت‌های این فرق در خصوص توجه آنان به کتاب آسمانی و سنت شفاهی و پیامدهای آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. فرقه‌ی قرائیم جنبش نص‌گرای یهودی است که با رهبری عنان بن داود تنها به مرجعیت کتاب مقدس باور داشت و تورات شفاهی (تلمود) را انکار نمود. قرائیان برای تفسیر کتاب مقدس با استفاده از کلام معتزلی و عقل، سعی در مقابله با جبهه‌ی مخالف خود یعنی حاخام‌ها نمودند. از زمان سعدیا گائون قرائیان نفوذ خود را از دست دادند. احمد بن حنبل رهبر اهل حدیث به رأی، فتوی، قیاس و یا استنباط فقهی توجه نداشت و بیشتر آثار وی در زمینه‌ی حدیث است. پس از احمد بن حنبل، احمد بن تیمیه سعی در تبلیغ و ترویج این مذهب نمود و با عقاید و آراء خود، زمینه‌ی فکری مذهب وهابیت را فراهم ساخت. محمد بن عبدالوهاب به تجدید حیات این مکتب پرداخت.

### واژگان کلیدی

نص گرایی، قرائیم، عنان بن داود، احمد بن حنبل، حنابله.

۱. دانشجوی دکتری، گروه ادیان و عرفان، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
Email: mitra.rezaee47@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه ادیان و عرفان، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
Email: thajebrahimi@yahoo.com

## طرح مسأله

تقدس بیش از حد سنت شفاهی (تلمود) در یهودیت حاخامی در قرن ۸ م برخی را به مخالفت با آن سنت شفاهی واداشت و به ظهور فرقه‌ی قرائیم با رهبری «عنان بن داود بغدادی» منتهی شد. در اسلام پس از رحلت پیامبر (ص) در بحث مرجعیت نص و ظاهر و عقل، گرایش‌ها گوناگونی پدیدار شد که در میان اهل سنت، گرایش عمده اهل حدیث بودند که در رأس آنان «احمد بن حنبل» بود. گرچه در زمینه‌ی عقاید فرقه‌های قرائیم و حنابله مطالعات و تحقیقاتی صورت گرفته و مقالاتی به رشته‌ی تحریر درآمده است، آنچه در مقاله‌ی حاضر مورد بحث قرار می‌گیرد، «مقایسه‌ی نص‌گرایی در قرائیم و حنابله» می‌باشد که تاکنون تحقیق مستقلی در این زمینه صورت نگرفته است.

در ابتدا با مرور خلاصه‌ی عقاید قرائیان و حنابله و مقایسه‌ی نص‌گرایی این فرقه، تا حد امکان بررسی می‌نماییم که توجه آنان به نص کتاب مقدس و سنت شفاهی چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی باهم دارد و در نهایت به جمع‌بندی و نتیجه‌ی تعصبات این فرقه می‌پردازیم. اصل اساسی عنان انکار سنت شفاهی و بازگشت به کتاب مقدس بود. قرائیان تنها کتاب مقدس را به عنوان منبع عقاید و شریعت می‌دانند و باور دارند که تمام احکام در تورات آمده و چیزی بر آن افزوده نشده است. از نظر قرائیان، چنانچه تعالیم نیاکانشان دقیقاً با کتاب مقدس مطابقت داشت، باید از آن تعالیم پیروی نمایند، در غیر این صورت، باید خودشان احکام تورات را مورد تحقیق و تفکر قرار دهند. قرائیان معنی لفظی و ظاهری نص کتاب را اخذ نمودند و با استفاده از عقل، با جبهه‌ی مخالف خود یعنی حاخام‌ها مقابله نمودند. سعدیا گائون نوشتن آثاری علیه این جنبش را آغاز کرد. از زمان وی فرقه‌ی قرائیم به تدریج نفوذ خود را از دست داد.

احمد بن حنبل در کنار قرآن و سنت، سخنان صحابه و تابعین را نیز حجت می‌دانست. حنابله سنت را مبین و مفسر کتاب و هم‌رتبه با قرآن می‌دانند، به نظر آنان در موارد تعارض میان ظاهر قرآن و سنت، نمی‌توان سنت را کنار نهاد و به ظاهر قرآن احتجاج کرد. پس از احمد بن حنبل، احمد بن تیمیه مردم را به این روش دعوت کرد تا این که آرای وی توسط

محمد بن عبدالوهاب احیا شد. تمام توجه و التفات وهابیان به حدیث و آیات قرآن است، آنان با عقل و عقلانیت و عقل‌گرایی حتی در مسائل عقیدتی بی‌توجه هستند. قبل از بحث مقایسه نص‌گرایی قرائیان و حنابله، در ابتدا در مورد جایگاه «تورات کتبی و شفاهی یا سنت» در یهودیت توضیح کوتاهی ارائه می‌نمائیم.

بنابر سنت یهود، «عزرای کاتب<sup>۱</sup>» (قرن ۵ قبل از میلاد) جمع‌آوری کتاب مقدس یهود (که قبل از تبعید به صورت سنت شفاهی رایج بود) را بر عهده گرفت و پس از تبعید در بابل و بازگشت به اورشلیم طوماری از توراتی که موسی از خداوند دریافت کرده بود را در نظر تمامی قوم گشود. تورات به زبان عبری بود، عزرا هنگام قرائت، آن را به طور شفاهی به زبان آرامی ترجمه می‌کرد و برای آنان می‌خواند» (کتاب مقدس، ترجمه قدیم، ۲۰۰۲، نحیمیا، ۸: ۷-۸)، به تدریج با مراجعه به نصوص تورات، معانی شرح و تفسیری که از طریق پیامبر یا یاران وی نقل گردیده بود، مکتوب گردید.

در سال ۲۰۰ میلادی «یهودا هاناسی<sup>۲</sup>» با گردآوری همه‌ی مباحث و مواعظ بزرگان و مکاتب متفاوت یهود در شش کتاب بزرگ با نام «میشنا<sup>۳</sup>» اقدام نمود. تحقیقات و تفاسیر میشنا را «گمارا<sup>۴</sup>» و ترکیب میشنا و گمارا را «تلمود<sup>۵</sup>» نامیده‌اند (Wald, 2007, vol.19: 470-478).

### - قرائیم<sup>۶</sup>

واژه‌ی عبری «قرائیم یا بنی‌میکرا<sup>۷</sup>» یا «بعلی‌ها میقرا<sup>۸</sup>»، (به عبری «قرائون<sup>۹</sup>») یعنی «اهل اهل کتاب<sup>۱۰</sup>» به فرقه‌ای اطلاق می‌شود که به شریعت شفاهی یا شنیداری اعتقاد ندارند و فقط تورات مکتوب را معتبر می‌دانند. (Lasker, Ben-Nemoy, 1987, vol.8, : 254). (see, Astren, 2004: 185-216; Shammai, 2007, vol. 11: 785)

1. Ezra.
2. Yehuda ha-Nasi.
3. Mishnah.
4. Gemara.
5. Talmud.
6. Karaites.
7. Qaraiim, Benei Miqra.
8. Baa Lei ha-Mikra.
9. Arab, Qaraiiyun.
10. people of the scriptures.

« عنان بن داوود<sup>۱</sup> » (۷۶۷ میلادی) رهبر جنبش قرائیم از خانواده‌ی « رأس الجالوت<sup>۲</sup> » بغداد و دارای مقام و منزلت، جایگاه علمی و شایسته‌ی جانشینی پدر بود. موسسه دینی یهودی از تأثیر عنان بر یهودیت نگران شد<sup>۳</sup>، نزد حکومت بغداد علیه وی شکایت کرد. عنان زندانی شد (Gil, 2003 : 77؛ Nemoy, 2007, vol. 2: 127) وی با توصیه‌ی ابوحنیفه از زندان آزاد شد و به فلسطین رفت و با تأسیس کنیسه‌ای به ترویج افکار خود پرداخت.

عنان آنگونه که می‌خواست به زندگی مذهبی مردم سرو سامان دهد، پس از مرگ وی این تفکرات دوامی نیارود. سپس فردی به نام «بنیامین نهانندی<sup>۴</sup>» در قرن (۹ م) آن مکتب را در ایران ترویج و با تغییراتی در آن به جای «عنانیه» (پروان عنان)، نام « قرائیم» را بر آن نهاد (ایستاین، ۱۳۸: ۲۲۶-۲۲۹). در سال‌های ۸۸۲ تا ۹۴۲ م از طریق سعدیا گائون مخالفت‌ها و حملات پی در پی با این فرقه ادامه یافت تا بالاخره طرفداران این نهضت مغلوب گردیدند.

### - نص‌گرایی عنان بن داوود

اساس اندیشه‌ی عنان را بازگشت به کتاب مقدس تشکیل می‌داد و به پیروانش توصیه می‌نمود: « به کتاب مقدس رجوع نمایند و به عقیده‌ی وی تکیه نکنند» (ابان، ۱۳۵۲: ۱۸۹). عنان حقایق عالی دین را تنها محدود به متون کتب عهد عتیق دانسته و برای تلمود قداستی قایل نبود. عنان با حاخام‌ها به شدت مخالفت می‌نمود و معتقد بود، حاخام‌ها احکام بسیاری بر تورات افزوده‌اند، یهودیت تلمودی قوانین ساخته‌ی بشر است و تنها یهودیت قرائیم همان یهودیت موسی است.

عنان با اضافه نمودن تعداد روزهای روزه‌داری، با سخت‌گیری بیشتری نسبت به ممنوعیت کار کردن در روز «سبت» تاکید نمود. وی مجازات « چشم به‌جای چشم و دندان به‌جای دندان » به‌همان صورت که در تورات آمده را لازم‌الاجرا می‌شمرد (2005: 143),

1. Anan Ibn David.

2. Exilarch.

۳. به تهمت این که در دین بدعت گذاشته و یهودیت رسمی را قبول ندارد.

4. Benjamin Al-Nehawendi.

(Graetz: 131; Sherbok, 1989) از نظر عنان هر گونه دارو و درمان، یا انجام ختنه، خوردن غذای گرم، حتی استفاده از نور و یا آتش در روز سبت توسط یهودیان ممنوع است و باید حرمت این روز حفظ گردد. قرائیان تمام شب را در تاریکی می گذرانند. عنان تقویم ثابت یهودی را لغو و شروع هر ماه را با رؤیت هلال ماه جدید اعلام کرد. عنان ارثیه‌ی زنان و مردان از اموال پدر و مادر را برابر دانست، از نظر وی شوهر حق دخالت در اموال همسر متوفای خود را ندارد. عنان ازدواج با حاخام‌ها را ممنوع کرد. وی وانمود می کرد که همه‌ی این تغییرات را از کتاب مقدس استنباط نموده است. عالمان حاخامی اندیشه‌های عنان را بدعتی می دانستند که همواره در سنت رسمی یهودیت با آن مخالفت شده است.

برخی از تفکرات عنان که در کتاب قرقسانی بیان گردیده، عبارتند از: عنان انجام کارهای سبک در روز شنبه را مجاز شمرد، در حالی که به نظر برخی عنان (تنها) انجام کارهای سبک در خانه را مجاز دانست، وی مکان انجام عبادت را تنها جایی محصور به دیوار مجاز دانست، از نظر عنان در بیست و چهارم «شوات»<sup>۱</sup> باید سبز شدن جو را مشاهده و مشخص کرد که آیا لازم است یک ماه را کیسه را اعلام کرد یا نه؟ و آیا این ماه باید «شوات» یا «آدار»<sup>۲</sup> باشد؟ - وی روزه گرفتن هفتاد روزه از سیزدهم ماه نisan تا بیست و سوم سیوان و نیز روزه گرفتن در هفتم هر ماه و دو روز «میگلا»<sup>۳</sup> (یعنی پوریم) را نیاز ضروری می دانست و... (Gil: 78-79)

از نظر عنان هر فرد یهودی می تواند مطالعه‌ی کتاب مقدس و تحقیق در باره‌ی آن را برعهده بگیرد و پیروان وی می بایست خود مستقلاً با عقل و منطق به دنبال حل مسائل ناشی از فرامین تورات بگردند. هدف وی از این کار حذف میانجی گری حاخام‌ها بود، خلاصه اینکه وی یوغ قانون را سنگین تر نمود (Graetz: 131; Sherbok: 143) عنان تلمود جدیدی برای تأیید و تصدیق ادعای خودش تألیف نمود که به مراتب سخت تر از تلمود قدیمی بود (ابان: ۱۸۹-۱۹۱).

عنان یهودیت حاخامی را از مواجهه شدن با چالش‌های نوین ناتوان می دانست و برای

---

1. Shevat.  
2. Adar.  
3. megillah.

یافتن راهکاری برای این شرایط، عقل را به خدمت گرفت، به گونه‌ای که دوران طلایی این فرقه (قرائیان) از قرن دهم تا پایان قرن یازدهم میلادی متکلمان عقل‌گرایی روی کار آمدند که برای تبیین عقاید عقلانی خود از کلام معتزلی مدد جستند. اما از آنجا که بنای مذهبی محکمی نداشتند، فرقه‌های جدیدی با نظریه‌ها و شیوه‌های گوناگون مذهبی ظهور کردند. چنانکه اشاره گردید، پس از مرگ عنان، ساختار پایداری که وی می‌خواست به حیات دینی پیروان خود منتقل نماید، بلافاصله نابود گردید و اختلافاتی ایجاد شد که با هر نسلی ادامه می‌یافت. بنیامین بن موسی نهاوندی پزشک یهودی ایرانی است که از نظر قرائیان به عنوان شخصیت برجسته‌ی بعد از عنان شناخته شده است. پس از نهاوندی دانیال قومی مهم‌ترین چهره‌ی قرائیم بود.

### اصول عقاید قرائیم<sup>۱</sup>

از نظر قرائیان همه‌ی احکام دینی باید بر اساس معنی ظاهری متن و مستقیماً از کتاب مقدس اخذ گردد. سنت اگر به بیان جزئیات احکام پردازد و با کتاب مقدس مغایرت نداشته و از اجماع عمومی جامعه (قرائیم) برخوردار باشد، در این صورت نیز نقش محدودی دارد. هر عالمی خودش باید کتاب مقدس را مطالعه نماید (Heller, 1978, vol, 11: 798).

قرائیان اجتهاد در برابر نص را قبول نداشتند. آنان با تفسیر ظاهر کتاب مقدس، استفاده از روش‌شنایی و آتش را در روز شنبه منع کردند و جمعه شب را در تاریکی مطلق می‌گذراندند. آنان بیرون رفتن از خانه و کار کردن و سایر فعالیت‌های روزمره در روز شنبه را منع نمودند. قرائیان بر این باورند که ما اجباری برای پیروی نمودن از آداب و رسوم نیاکانمان نداریم، اما باید با بررسی روش‌های آنان و مقایسه‌ی رفتار و قوانین آنان با کلمات تورات و در صورت مطابقت دقیق با کتاب مقدس تعالیم آنان را پذیرفته و پیروی نمائیم، و در صورت مغایرت با کتاب مقدس باید آن‌ها را انکار نموده و خودمان احکام تورات را مورد تحقیق و تفکر قرار دهیم. آنچه در شریعت موسی (ع) درباره‌ی احکام و

1. Karaite Doctrine.

سایر امور مکتوب گردیده، برای اثبات حقیقت آن به هیچ شواهدی نیاز ندارد، اما آنچه از نیاکان به ما رسیده، هم به اثبات و شاهد مسئول نیاز دارد.

ایلیا بشیاصی و شاگردش کلب آفندوپلو<sup>۱</sup> اصول عقاید قرائیم را در ده مورد طبقه بندی کرده‌اند که دو مورد آن به موضوع این مقاله ارتباط دارد و عبارت است از: خدا از طریق موسی (ع) حقیقت کامل را برای ما فرستاد و آن با هیچ قانون دیگری قابل تکمیل یا تغییر نیست، به خصوص شریعت شفاهی که توسط حاخام‌ها به رسمیت شناخته شده است. ۲- مؤمنان باید تورات را به زبان اصلی و معنای دقیق و صحیح آن فرا گیرند. هیچ حاخامی این موارد را قابل اعتراض نمی‌داند و... (Heller, Nemoy, 2007, vol. 11: 798؛ Nemoy, Frank, 2005, vol. 8: 5086). قرائیان با تفسیر ظاهری کتاب مقدس، مراجعه به پزشک و معالجه را تخطی از اراده‌ی خدا تصور می‌کردند (اپستاین: ۲۲۷). آنان از پذیرش تفسیر تلمودی دستور «چشم در برابر چشم» در کتاب مقدس که دلالت بر جریمه مالی دارد، خوداری نموده، بلکه بر تفسیر ظاهری آن تأکید می‌ورزیدند (اپستاین: ۲۲۵، ۲۲۶). قرائیان جشن «حنوکا»<sup>۲</sup> را به دلیل آنکه در تورات ذکر نشده بود، برگزار نمودند (See, Heller, Nemoy, 2007, vol. 11: 798). آنان با تغییر دادن تاریخ اعیاد مذهبی، تقویم خاص خودشان را جایگزین تقویم تنها<sup>۳</sup> نمودند (گندمی نصرآبادی: ۷۱). قرائیان محاسبه‌ی ریاضی حاخامی را نپذیرفتند و تنها به مشاهده‌ی حلول ماه اعتماد داشتند و مشاهده‌ی جو را برای هدف گاه‌شماری می‌پذیرفتند. ماه نیشان به عنوان اولین ماه سال تقویمی در نظر گرفته می‌شد.

قرائیان کتاب مقدس را تنها منبع عقاید و شریعت می‌دانستند. آنان علی‌رغم انکار سنت، به ناچار سنتی از آن خود به نام «یوغ وراثت» شکل دادند و حتی برخی از آنان از سنت به عنوان یکی از منابع چهارگانه‌ی شناخت نام بردند.

نهایندی اساس قرائیم را که عنان‌بن داوود آغاز کرده بود، با تأکید بر ارزش تفکر آزاد

1. Caleb Afendopolo.

2. جشن روشنایی Hanukkah .

3. Tnaha calendar.

و مستقل تکمیل کرد (Sherbok: 145) دانیال قومسی به دلیل دیدگاه‌های عقل‌گرای افراطی خود که ظاهراً از معتزله متأثر گردیده بود، نصوص تورات را بر اساس مسائل عقلانی تفسیر می‌کرد (رحمتی، محمد کاظم، ۱۳۹۱: ۵۷) وی هرگونه امر مذهبی و توراتی که به عقل و منطق باور می‌آمد را می‌پذیرفت و بر اساس آن عقاید خود را پی‌درپی تغییر می‌داد و به اصحاب و پیروان خود سفارش نمود که به تحولات نظرات وی توجه داشته باشند.

آموزه‌ی قرائی از یک سو با سختی و تغییرناپذیری سنت و از طرف دیگر، با عدم وجود محدودیت در باره‌ی درک فردی از کتاب مقدس مشخص می‌شود. قرائیان تعصبی نسبت به نظرات خود نداشتند و معتقد بودند هر یهودی باید برداشت خاص خود را از کتاب مقدس داشته باشد، هرچند با گفته تمام یهودیان ناسازگار باشد. این مسائل مانع هرگونه انسجام و اتحاد در میان آنان شد.

کلام معتزله بخش جدایی‌ناپذیر تفکر قرائیم بود و نسخه‌های آنان نه تنها توسط قرائیان مطالعه می‌شد، بلکه به زبان عربی یهودی ترجمه می‌شد، حتی برخی از عقاید برجسته معتزله به سنت واقعی قرائیان یهودی قرون وسطی تبدیل شد (Sirat: 38). قرائیان از صدوقیان و اسلام به ویژه معتزله تأثیر گرفتند. قرائیان با استفاده از کلام معتزلی و عقل با حاخام‌ها مقابله نمودند و سعی در اثبات عقاید خود بر مبنای عقل داشتند.

قرائیان تحت تأثیر معتزله بر توحید تأکید زیادی داشتند و با گرایش حلولی و انسان‌وارانگارانه بودن خدا مخالفت داشتند (Graetz: 130) قرائیان قائل به تنزیه باری تعالی بوده و عبارت‌های تشبیهی تورات را تأویل می‌کرده‌اند (قرقسانی، ۱۹۳۹-۱۹۴۳ ج، ۱: ۱۶۵ - ۱۷۸) و در مسأله‌ی رؤیت باری تعالی نیز همچون معتزله رؤیت خداوند را نادرست می‌دانسته‌اند (قرقسانی: ۱۷۰-۱۷۸).

چنانکه اشاره گردید، قرائیان با تفسیر و بسط شریعت مخالفتی نداشتند، مخالفت آنان با سنت به این دلیل بود که، مطالب تلمود و میشنا، در پاره‌ای موارد، بر تورات ترجیح داده می‌شد و بسیاری از سنت‌ها و عادات رایج، مخالف نص صریح تورات بود

یافتن بن‌علی از قرائیان متأخر عقیده داشت: روا نیست معنی ظاهری نص کلام‌الله را رد

کنيم، مگر اينکه ظاهر نص نامفهوم يا ناممكن باشد (ر.ك، هادي حسن، ۲۰۱۴: ۱۳۶)؛ (Frank, Daniel, 2007: 5) از نظر وي معنای لفظی و ظاهری کتاب مقدس در صورت تعارض با عقل یا آیهی صریح دیگر نباید منظور نظر قرار گیرد، بلکه در چنین مواردی باید آن را به گونه‌ای به تأویل برد تا با عقل و آیات دیگر سازگار باشد.

یافت سنت را یکی از منابع شناخت دانسته و می‌نویسد: سنت در صورتی پذیرفته می‌شود که برای استفاده از احکام موجود در متن، روشن شدن ابهامات، یا جبران نواقص در جزئیات احکام مشخص ضروری باشد و نباید با هر بیانیه‌ای متناقض باشد و نیز باید با اجماع عمومی جامعه (قرائیم) موافقت داشته باشد. با این حال، حتی در این صورت نقش آن محدود و وابسته است (Nemoy, 1945, vol. 11: 797).

حاکم‌ها تصمیم گرفتند در مقابل فعالیت مبلغین قرائیم با آنان مخالفت نمایند. نخستین متفکر برجسته‌ی حاکم‌ی، سعدیا گائون بود که نوشتن آثاری علیه این جنبش را آغاز کرد و در تقابل با متفکران قرائیم که منکر سنت بودند، بر سنت به عنوان یکی از منابع چهارگانه‌ی شناخت تأکید ویژه داشت.

قرائیان اغلب حاکم‌ها را متهم می‌کردند که به انسان‌وار انگارانه بودن خدا اعتقاد دارند و به سنت تلمودی و حاکم‌ی بر اساس انسان‌وار انگارانه بودن آن حمله می‌کردند. سعدیا به شدت با اندیشه تجسیم خداوند مخالفت نمود. یکی از نکات اصلی تفکر وی تطهیر اندیشه‌ی خدا و نشان دادن غیرجسمانی و متعالی بودن خدا است (Sirat: 25). از زمان سعدیا فرقه قرائیم به تدریج نفوذ خود را از دست داد و در واقع روبه انقراض است.

#### – حنابله

أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد با کنیه‌ی اباعبدالله (۲۴۱-۱۶۴ هجری) از بزرگ‌ترین علمای اهل سنت و رئیس فرقه‌ی حنبلی یکی از چهار مذهب فقهی اهل سنت می‌باشد. در نیمه‌ی دوم قرن دوم هجری رقابت میان دو گرایش ظاهرگرایی و تأویل‌گرایی شدت گرفت. در این دوره احمد بن حنبل رهبری اهل حدیث (ظاهرگرایی) را پذیرفت. با درگذشت احمد بن حنبل (سال ۲۴۱ قمری) اندیشه وی تقریباً از بین رفت، تا اینکه فردی به نام ابو محمد حسن بن علی بن خلف بر بهاری (۲۵۲-۳۲۹ قمری) عَلم بازگشت به عقاید

سلف را برافراشت.

### - نص گرای احمدبن حنبل

احمدبن حنبل در خصوص جایگاه قرآن از پیروان خود می‌خواهد که چیزی را بر قرآن ترجیح ندهند، زیرا کلام خداست و مخلوق نیست، وی حتی الفاظ و صوت قاری قرآن را نیز مخلوق ندانسته و کسانی که قرآن را به هر شکل مخلوق و حادث بدانند را کافر می‌داند (زمرلی، ۱۴۱۵ق: ۲۲؛ ابن ابی یعلی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۲۹).

احمدبن حنبل مذهب خود را به طور خلاصه برپنج اصل بنا نهاد: ۱- نص، ۲- اگر نصی پیدا نمی‌شد، به فتوهای صحابه تمسک می‌کرد ۳- اگر فتوایی وجود نداشت، نظری را می‌پذیرفت که به کتاب و سنت نزدیک‌تر بود. ۴- اگر درباره‌ی حکمی خبر موثق و قوی نمی‌یافت، به حدیث مرسل و یا ضعیف تمسک می‌کرد. ۵- اگر در مسأله‌ای نصی از کتاب یا سنت یا قول صحابه و یا اثر مرسل یا ضعیفی را نمی‌یافت، ضرورتاً به قیاس متوسل می‌شد (ابن قسیم الجوزیه، ۱۴۲۳، ج ۱: ۲۷؛ مشکور، ۱۳۷۵: ۱۰۴؛ ابوزهرة، ۱۹۸۹: ۴۹۳، ۴۹۱) برخی نهی ابن حنبل از قیاس را به سبب تشویق مردم برای فراگیری حدیث دانسته‌اند.

سنت‌های اعتقادی از نظر احمدبن حنبل عبارتند از: اصول سنت تمسک به چیزهایی است که اصحاب رسول خدا (ص) بدان‌ها معتقد بودند و اقتدا می‌نمودند، ترک کردن بدعت، چونکه کل بدعت گمراهی است، ترک نمودن کینه‌ها و ترک نمودن از نشستن با اصحاب هوی و هوس، ترک نمودن بحث و جدل و ترک دشمنی با دین می‌باشد (زمرلی: ۱۹-۲۰).

از نظر احمدبن حنبل سنت آثار رسول خدا (ص) و مفسر و راهنمای قرآن است. وی در کنار قرآن و سنت، سخنان صحابه و تابعین را نیز حجت می‌دانست و پیروی از صحابه را وسیله‌ی رسیدن به خدا و دست گرفتن آثارشان را فضیلت می‌دانست. عقل در مسائل اعتقادی احمدبن حنبل هیچ جایگاهی نداشت، وی با متکلمان که از روش‌های عقلی برای رسیدن به مبانی اعتقادی بهره می‌بردند، به شدت مخالفت می‌نمود.

احمدبن حنبل نوشتن مطلبی غیر از احادیث را جایز نمی‌دانست، به همین دلیل، اجازه‌ی مکتوب شدن فتوایش را نمی‌داد و از این می‌ترسید که مردم با فقه استنباط نمایند و از توجه

آن‌ها به قرآن کاسته شود (ابوزهره، ۱۹۸۹: ۴۸۷). وی نیز بر این باور بود که در تألیف کتاب باید احادیث را مجرد از آراء شخصی ثبت کرد.

### - نص گرای حنابله

پس از احمد بن حنبل بر بهاری با ارائه قرائتی نو از مکتب حنبلی و تعلیم علوم دینی، ریاست حنابله‌ی بغداد را برعهده گرفت. بعد از بر بهاری ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب، علم بازگشت به عقاید سلف را برافراشتند. بر بهاری گوی سبقت را از خود احمد بن حنبل به عنوان مبتکر اندیشه‌ی نقل گرایانه ربوده بود. وی با پرهیز از هرگونه تفکر و تعقل در برخورد با قرآن و روایات، اساساً بحث و جدل را موجب تردید و منشأ گمراهی می‌دانست. از نظر وی در برخورد با آیه یا روایتی متشابه که از نظر عقل مبهم و فهم ناپذیر است، باید آن را بی‌چون و چرا تصدیق کرد و به هیچ وجه نباید تفسیر کرد، زیرا ایمان به این امور، واجب است (ابن ابی یعلی، ج، ۲، صص. ۲۳، ۳۹).

بر بهاری علم کلام را بدعت می‌شمرد و آن را منشاء همه بدعت‌ها و گمراهی‌ها می‌دانست، وی حتی نشستن در حلقه‌های علمی اهل کلام را منع می‌کرد (ابن ابی یعلی، ج، ۲، صص ۱۸-۱۹).

از نظر بر بهاری گناهکاران، به سه صورت از شفاعت پیامبر (ص) برخوردار می‌گردند: برخی در آغاز روز قیامت مشمول آن می‌شوند. عده‌ای در همان روز و هنگام عبور از صراط، گروهی پس از ورود به جهنم و تحمل مقداری عذاب مشمول شفاعت می‌شوند. همچنین همه‌ی انبیاء، صدیقین، شهدا و صالحان می‌توانند از گناهکاران شفاعت کنند. بر بهاری، برخلاف مرجئه، ایمان را مرکب از قول و عمل می‌داند که زیاده و نقصان پذیر هست.

بر بهاری کتابش را هم‌سنگ قرآن معرفی نموده و از نظر وی، هر کس بر خلاف آن چه در این کتابش هست، سخنی بگوید، خدا را بر هیچ دینی نپرسیده است و در واقع همه‌ی کتاب او را رد کرده است، چنانکه اگر کسی به همه‌ی آن چه خدا نازل کرده، ایمان آورد و تنها در یک حرف تردید داشته باشد، در واقع همه‌ی آیات خدا را رد کرده و کافر شده است (بر بهاری، ۱۴۱۴ق، ص. ۱۰۹).

زیر بنای عقاید و اندیشه‌های شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری را کتاب و سنت تشکیل می‌داد و بدون این دو منبع، چیزی را به رسمیت نمی‌شناخت. وی بر همه‌ی نظریات عرفانی خود نیز دلیلی از کتاب و سنت می‌آورد. شیخ به دلیل داشتن حافظه‌ی قوی در حفظ و روایت حدیث و علوم روزگارش مهارت داشته است. تمسک به ظواهر نصوص کتاب و سنت و موافقت با سلف امت، یعنی صحابه، تابعین و ائمه‌ی اربعه، بنیاد عقیده‌ی وی را تشکیل داده است. شیخ از تأویل گریزان بود و با خردگرایی محض مخالفت داشت. وی برای عقل در برابر شرع اجازه‌ی آزاداندیشی نمی‌داد، بلکه عقل را منقاد شرع می‌دانست که باید از شرع متابعت نماید.

از مهم‌ترین مبانی عقیدتی سلفیون قدیم پیروی از ظاهر نصوص قرآن و سنت و مخالفت با تاویل و تفسیر بود. از نظر آنان تمام آنچه خداوند در قرآن گفته باید به ظاهرش تمسک کرد و پذیرفت که آن حقیقتی در بالا دارد.

حنابله سنت را مبین و مفسر کتاب و هم‌رتبه با قرآن می‌دانند، به نظر آنان در موارد تعارض میان ظاهر قرآن و سنت، نمی‌توان سنت را کنار نهاد و به ظاهر قرآن احتجاج کرد. نص قرآن، گرچه در اعتبار مقدم است، در بیان احکام بر سنت مقدم نیست، زیرا حجیت سنت از طریق کتاب اثبات شده است. حنابله برای فهم قرآن، تفسیر پیامبر (سنت نبوی) را در رتبه‌ی اول می‌دانند و پس از آن به تفسیر صحابه مراجعه می‌کنند (ترکی، ۱۴۱۰: ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۹۳، ۱۹۷) و آنان را به عصر رسالت نزدیکتر دانسته، پس فهم آنان از آیات قرآن را دقیق‌تر و قابل اعتمادتر می‌دانند.

حنابله با استناد به ظواهر آیات و احادیث به تجسیم خداوند معتقد شدند و برای خدا اعضا و جوارح قائل شدند. حنابله نسبت به نظرات خود متعصب بودند، احمد بن حنبل احادیثی از پیامبر را حجت می‌دانست که در مسند خویش گردآوری نموده است.

محمد بن عبدالوهاب غیروهابیان را کافر دانسته و پیروان خود را هرچند از فاسق‌ترین افراد بودند، با ایمان می‌دانست. تکفیر غیر وهابیان، رواندانتن توسل و استشفاع به آنان و شرک پنداشتن سوگند به غیر خدا، بی‌اعتنایی به عقلانیت و گفتگو از جمله عقائد وهابیان است.

### - تفاوت‌ها و شباهت‌های نص گرای قرائیان و حنابله

- عنان از پیروان خود می‌خواست به کتاب مقدس توجه نمایند. وی مطالعه‌ی کتاب مقدس و تحقیق در باره‌ی آن را بر عهده فرد فرد یهودیان گذاشت (Sherbok: 143)؛ (Graetz: 131) عنان تنها برای «تورات» قداست قائل بود و تلمود را قبول نداشت. وی مخالف سرسخت حاخام‌ها بود.

اساس اصول فکری احمدبن حنبل را پس از قرآن، سنت پیامبر (ص) و اقوال صحابه و تابعین تشکیل می‌داد (ابن جوزی، ۱۴۰۹، ج. ۱: ۲۴۷) و تکیه خاصی بر احادیث داشت و تمام عمر خود را به گردآوری و حفظ احادیثی گذراند که از پیامبر اسلام (ص) روایت شده بود.

- عنان برای تأیید و تصدیق ادعای خودش تلمود جدیدی تألیف نمود که به مراتب سخت‌تر از تلمود قدیمی بود (ابان: ۱۸۹-۱۹۱).

احمدبن حنبل اجازه نمی‌داد غیر از احادیث مطلبی نوشته شود، به همین دلیل، از کتابت فتوایش منع می‌کرد و از این می‌ترسید که مردم با فقه استنباط نمایند و از توجه آن‌ها به قرآن کاسته شود (ابوزهره، ۱۹۸۹، ص ۴۸۷).

- عنان از پیروان خود می‌خواست خود مستقلاً با عقل و منطق به دنبال حل مسائل ناشی از فرامین تورات بگردند (Sherbok: 143؛ Graetz, p. 131)

احمدبن حنبل برای عقل در مسائل اعتقادی هیچ ارزشی قائل نبود و با متکلمان به شدت مخالفت می‌کرد.

- از نظر عنان پیروان تلمود (حاخام‌ها) با تفاسیر اشتباه تورات، پاکی قوانین آسمانی را بی‌ارزش ساخته و از احکام واقعی سرپیچی کرده‌اند (ابان: ۱۸۹؛ Graetz: 131).

احمدبن حنبل با تأکید بر همه آموزه‌های اهل حدیث خود را پیرو صحابه رسول خدا (ص) معرفی کرد (ابن حنبل، ۱۴۱۱ق: ۱۴). وی پیروی از صحابه را وسیله‌ی رسیدن به خدا و دست گرفتن به آثارشان را فضیلت می‌دانست (ابن ابی یعلی، ج. ۱، ص. ۳۰).

- چنانکه اشاره گردید، عنان برای تأیید و تصدیق ادعای خودش تلمود جدیدی تألیف نمود.

احمدبن حنبل احادیثی از پیامبر (ص) را حجت می‌دانست که در مسند خویش گردآوری نموده است.

- چنانکه اشاره گردید، پس از مرگ عنان، ساختار ماندگاری که وی می‌خواست به حیات دینی منتقل نماید، بلافاصله نابود گردید و اختلافاتی ایجاد شد که با هر نسلی ادامه می‌یافت. بنیامین بن موسی نهاوندی پزشک یهودی ایرانی است که از نظر قرائیان به عنوان شخصیت برجسته‌ی بعد از عنان شناخته شده است. پس از نهاوندی دانیال قومی مهم‌ترین چهره قرائیم بود.

تفکر احمدبن حنبل به دلیل عدم توجه به عقل و افتادن در وادی اندیشه‌های تشبیه و تجسیم همواره مورد انتقاد مخالفانش از معتزله و اشاعره و شیعیان بوده است. پس از احمدبن حنبل، بریهاری قرائتی نو از مکتب حنبلی عرضه کرد و علوم دینی را چنان آموخت که بعدها ریاست حنابله‌ی بغداد را به دست گرفت. بعد از بریهاری ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب، عَلم بازگشت به عقاید سلف را برافراشتند.

- قرائیان تبار خود را ادامه‌ی تفکر صدوقیان دانسته‌اند. حنابله خود را پیروان سلف صالح دانستند. تفکر حنابله به سلفی‌گری و وهابیت منتهی گردید.

- قرائیان کتاب مقدس را تنها منبع عقاید و شریعت می‌دانستند و تلمود را قبول نداشتند. حنابله در کنار نص قرآن، سُنّت و دیدگاه و نظرات اصحاب پیامبر (ص) را نیز قبول داشتند.

- قرائیان بر توحید تأکید زیادی داشتند و با گرایش حلولی و انسان وارانگاران‌ه بودن خدا مخالفت داشتند ( Graetz: 130 ) آنان قائل به تنزیه باری تعالی بوده و رؤیت خداوند را نادرست می‌دانسته‌اند ( قرقسانی: ۱۷۰-۱۷۸).

حنابله و وهابیان برای خدا اعضا و جوارح قائل شدند و با استناد به ظواهر آیات و احادیث به رؤیت و مشاهده‌ی خدا توسط بندگان باور دارند.

- قرائیان معنی لفظی و ظاهری نص کتاب را اخذ نمودند و اجتهاد در برابر نص را قبول نداشتند. (Sirat: 38- 39)

عبدالله فرزند احمد بن حنبل می گوید: شنیدم که پدرم حدیث ضعیف را از اجتهاد محبوب تر می دانست ( ابن قیم الجوزیه، ۱۴۲۳، ج. ۲: ۱۴۵) حنابله در تفسیر قرآن به تفسیر روایی بسنده نموده و از تعمق در آیات پرهیز داشتند (ابوزهره، ۱۹۸۹ق: ۵۲).

- از نظر قرائیان در پاره‌ای موارد، مطالب تلمود و میشنا بر تورات ترجیح داده می شد و بسیاری از سنت‌ها و عادات رایج، مخالف نص صریح تورات بود (Sirat: 38- 39) (قرائیان علی‌رغم انکار سنت، به ناچار سنتی از آن خود به نام «یوغ وراثت» شکل دادند و حتی برخی از آنان از سنت به عنوان یکی از منابع چهارگانه شناخت نام بردند. حنابله سنت را دلیل و مفسر قرآن می دانستند.

- قرائیان چون معتزله عقل را حاکم دانسته سعی در اثبات عقاید خود بر مبنای عقل داشتند.

حنابله در تعارض عقل و نقل، اولویت را به نقل می دهند و توانایی عقل را در درک حقایق دینی انکار می کنند. حنابله معتقد به ظواهر کتاب و سنت بدون تفکر و تعقل بودند و تأویل در نصوص را جایز نمی دانستند.

- قرائیان مرجعیت احکام‌ها را در تفسیر شریعت قبول نداشتند. از نظر آنان همه می توانند کتاب مقدس را تفسیر نمایند، در این میان هیچ دیدگاه تفسیری بر دیگری ترجیح ندارد.

وهابیان سلفی به مفسران و کتاب های تفسیری اعتنایی نمی کردند و شدیداً با تأویل مخالفت می نمودند.

- قرائیان تعصبی نسبت به دیدگاه و نظر خود نداشتند، بلکه افراد را به فهم خاص خود از کتاب مقدس تشویق می کردند. تأکید بیش از حد قرائیان بر آزادی افراد در تفسیر کتاب مقدس در پرتو فهم خود، مانع هرگونه انسجام و اتحاد در میان آنان شد.

حنابله نسبت به نظرات خود متعصب بودند، چنانکه اشاره گردید، بر بهاری کتابش را هم سنگ قرآن معرفی نموده و از نظر وی، هر کس بر خلاف آن چه در این کتابش هست،

سخنی بگویند، خدا را بر هیچ دینی نپرستیده است و در واقع همه‌ی کتاب او را رد کرده است. با این حال در زمان محمدبن عبدالوهاب، وی به همه‌ی پیروانش اجازه می‌داد، قرآن را براساس فهم خود تفسیر کنند، اگرچه آن افراد از عوام‌ترین پیروان او بودند.

- یافث بن علی از قرائان متأخر عقیده داشت: روا نیست معنی ظاهری نص کلام الله را رد کنیم، مگر اینکه ظاهر نص نامفهوم یا ناممکن باشد. معنای لفظی و ظاهری کتاب مقدس در صورت تعارض با عقل یا آیه صریح دیگر نباید منظور نظر قرار گیرد، بلکه در چنین مواردی باید آن را به گونه‌ای به تأویل برد تا با عقل و آیات دیگر سازگار باشد.

ابن تیمیه نیز با شعار بازگشت به عقاید سلف به شدت با عقل‌گرایی افراطی مقابله جسته و در مقام بحث علمی از هرگونه استدلال عقلی پرهیز می‌کند (ابن تیمیه، ۱۴۱۱ق، ج، ۱: ۱۴۴، ۱۴۷، ۲۵۵) از نظر ابن تیمیه سلفیه به عقل ایمان ندارند، چون آن را گمراه کننده می‌دانند، اما به نص شرعی و به ادله‌ای ایمان دارند که نص بدان اشاره دارد، زیرا نص شرعی وحی‌ای است که بر پیامبر (ص) نازل شده است.

- یافث سنت را در صورتی پذیرفته که برای استفاده از احکام موجود در متن، روشن شدن ابهامات، یا جبران نواقص در جزئیات احکام مشخص ضروری باشد و با اجماع عمومی جامعه (قرائیم) موافقت داشته باشد. با این حال هم نقش آن محدود و وابسته است. وهابیان به ظاهر قرآن و سنت تمسک دارند و هر آنچه را در کتاب و سنت نیابند، بدعت می‌شمارند.

- هرچند اصل گرایش قرائان و حنابله نزدیک به زمان بنیانگذار دینشان وجود داشته، زمان تشکیل هر دو فرقه یا نهضت به زمان‌های متاخر بر می‌گردد. ظهور قرائان به قرن هشتم میلادی بر می‌گردد.

ظهور حنابله به قرن سوم هجری مربوط می‌شود. وهابیان در فقه، پیرو مذهب حنبلی‌اند و در عقاید و برخی فروع بر روش ابن تیمیه هستند

- قرائان تقریباً فرقه‌ای در برابر تمام فرقه‌های یهودی محسوب می‌گردند.

حنابله یکی از چهار مذهب فقهی اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی) می‌باشند

- برای قرائان بیشتر بحث‌های کلامی و تا حدودی شریعتی مطرح است.

حنابله علم کلام را بدعت دانسته و آن را منشاء همه‌ی گمراهی‌ها می‌دانند.  
- در یهودیت سعدیا گائون برای مبارزه با نگرش قرائیان به احیای زبان عبری و تسلط بر آن اقدام نمود و در تقابل با متفکران قرائیم که سنت را قبول نداشتند، بر سنت به عنوان یکی از منابع چهارگانه‌ی شناخت تأکید ویژه داشت. سعدیا توانست رشد قرائیان را کند یا متوقف نماید.

نخستین کسی که اندیشه‌های افراطی و خطرناک محمد بن عبدالوهاب را مورد مخالفت و انتقاد جدی قرار داد، پدرش و سپس برادر وی سلیمان بن عبدالوهاب بود. پیروان حنابله و وهابیان در حال حاضر نیز فعالیت دارند.

## نتیجه‌گیری

با توجه به مقایسه‌ی نص‌گرایی در قرائیان یهود و حنابله در اسلام، به این نتیجه رسیدیم که هر دو دین سرچشمه‌ی الهی دارند و کتاب مقدس و قرآن را به عنوان منبع عقاید و شریعت دانسته، به شیوه نص‌گرایانه به تبیین دین پرداخته‌اند و این اعتقاد با ذات آن‌ها آمیخته شده است که در واقع برداشت‌ها و فهم مناسب ذوق و حال خود را داشته‌اند.

به دلیل سخت‌گیری بیش از حد عنان در اجرای فرامین تورات، فرقه‌های مختلف با نظریات متفاوت در این فرقه روی کار آمدند که هرکس فهم خود را اصل قرار داده و دعاوی گوناگونی را ابراز داشت. قرائیان بر آزادی افراد در تفسیر کتاب مقدس در پرتو فهم خود تأکید داشتند و این مسائل مانع هرگونه انسجام و اتحاد در میان آنان شد. قرائیان علی‌رغم انکار سنت در مقام عمل، سنتی به نام «یوغ وراثت» برای خودشان شکل دادند و برخی از آنان مانند یافث بن علی، سنت را یکی از منابع شناخت معرفی نمودند. آنان تنها در مقام رد مرجعیت سنت حاخامی بودند. قرائیان از یک سو، تحت تاثیر معتزله، سعی در اثبات عقاید خود بر مبنای عقل داشتند و از سوی دیگر، با تمسک به معنای ظاهری کتاب مقدس احکام نامعقولی را بیان می‌کردند. سعیدیا جزء اولین کسانی بود که بر علیه قرائیان برخاست. از زمان وی فرقه قرائیم به تدریج نفوذ خود را از دست داد.

احمد بن حنبل در کنار قرآن و سنت، سخنان صحابه و تابعین را نیز حجت می‌دانست. آنان با استناد به ظاهر آیات و احادیث برای خدا اعضای جسمانی، مکان، تخت و عرش ظاهری تصور نمودند و این ظاهر‌گرایی باعث راه یافتن مسائل سستی به اعتقادات حنابله گردید. حنابله معتقد به ظواهر کتاب و سنت بدون تفکر و تعقل بودند و تأویل در نصوص را جایز نمی‌دانستند. ابن تیمیه مذهب حنبلی را تبلیغ نموده و با عقاید خود زمینه‌ی فکری مذهب وهابیه را فراهم ساخت. وهابیان بر خلاف اجماع اهل علم و دیدگاه همه عالمان اهل سنت زبان به تکفیر غیر وهابیان گشوده و جان و مال و ناموس آن‌ها را حلال می‌دانند. آنان با سطحی‌نگری و تمسک به ظواهر آیات و روایات، زیارت قبور اولیاء و اوصیای الهی و توسل و تبرک به قبور ایشان را پرستش غیر خدا و عملی شرک‌آلود می‌دانند. فرقه‌ی وهابیت بسیاری از مسلمانان غیر وهابی را کافر دانسته و جان و مال و ناموس آن‌ها را حلال می‌داند.

## فهرست منابع

۱. ابان، ابا، قوم من، تاریخ بنی اسرائیل، (۱۳۵۲) نعمت الله شکیب، تهران، چاپخانه بانک ملی ایران.
۲. ابن ابی یعلی، محمد بن محمد أبو الحسن، (۱۴۱۷ق) طبقات الحنابله، بیروت، لبنان، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ج ۱.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمان، (۱۴۰۹) مناقب الامام أحمد، جمال الدین أبو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد المحقق، عبد الله بن عبدالمحسن التركي الناشر، دار هجر الطبعه الثانيه، ج ۱.
۴. ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن محمد، (۱۴۱۱ق) اصول السنه، ناشر، دارالمنارسعودیه.
۵. ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر، (۱۴۲۳)، اعلام الموقعین عن رب العالمین، النشر، المملکه العربیه السعودیه، الطبعه الاولی، ج ۱.
۶. اپستاین، ایزیدور، (۱۳۸۵) یهودیت، بررسی تاریخی، ترجمه بهزاد سالکی، نشر موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۷. بر بهاری، حسن بن علی بن، (۱۴۱۴ق) شرح السنه، تحقیق، ابی یاسرالدادی، مدینه منوره، مکتبه الغرباء الاثریه.
۸. رحمتی، محمد کاظم، (پاییز و زمستان، ۱۳۹۱) «قرائیم و کلام اسلامی»، تاریخ و تمدن اسلامی، سال هشتم، شماره شانزدهم.
۹. قرقسانی، یعقوب بن افرایم، (۱۹۳۹-۱۹۴۳) الانوار و المراقب، بی جا، بی نا.
۱۰. گندمی نصرآبادی، رضا. (۱۳۹۱) «جستاری در کلام قرائیمی» نشریه معرفت کلامی، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان.
۱۱. کتاب مقدس، (۲۰۰۲م) ترجمه قدیم، انتشارات ایلام، چاپ سوم، بی جا.
۱۲. ابوزهره، محمد، (۱۹۸۹م) تاریخ المذاهب الاسلامیه، دارالفکر العربی، بیروت.
۱۳. ترکی، عبدالله، (۱۴۱۰) اصول مذهب الامام احمد، دراسة اصولیه مقارنه، مؤسسه الرساله، الطبعه الثانيه.
۱۴. زمرلی، فواز احمد، (۱۴۱۵ق) عقاید ائمه السلف، دارالکتب العربی، بیروت.
۱۵. مشکور، محمد جواد، (۱۳۷۵) تاریخ شیعه و فرقه های اسلامی تا قرن چهارم، ناشر اشراقی، تهران.

16. Astren, Fred, (2004), *Karaite Judaism and Historical Understanding*, Columbia, South Carolina.
17. Gil, Moshe, (2003), "The Origins of the Karaites", *Karaite Judaism*, A Guide to its History and Literary Sources, Polliack, Meira, Brill, Leiden, Boston, ed..
18. Frank, Daniel. (2007), "The limits of Karaite scripturalism problems in narrative exegesis", Printed in Israel.
19. Heller Joseph Elijah, Nemoy Leon , (2007), "Karaite Doctrine", *Encyclopedia Judaica*, Second Edition, Michael Berenbaum (ed.), Macmillan Reference, U S A., Jerusalem, Keter Publishing House, Thomson Gale, vol. 11
20. Graetz, Heinrich, (1974), *History of The Jews*, Philadelphia, The Jewish Publication Society of America, vol.3.
21. Lasker, Citonne, (2007), Ben-Shammai, Haggai, "Karaite", *Encyclopaedia Judaica*, Second Edition, Michael Berenbaum (ed.), Macmillan Reference, U S A., Jerusalem, Keter Publishing House, Thomson Gale, vol. 11.
22. Lasker, Daniel (1989), "Islamic Influences on Karaite Origins", in *Studies in Islamic Origins and Judaic Traditions*, vol. 2, W, M Brinner and S, D Ricks, (ed.) Atlanta, GA., Scholars Press.
23. Nemoy, Leon, (1987), "Karaites", *Encyclopedia of Religion*, Eliade, Mircea, (ed.), Macmillan Publishing, Company, New York, London, vol.8.
24. Nemoy, Leon, (2007), "Anan Ben David", *Encyclopaedia Judaica*, Second Edition, Michael Berenbaum (ed.), Macmillan Reference, U S A., Jerusalem, Keter Publishing House, Thomson Gale, vol. 2.
25. Nemoy, Leon , Frank, Daniel, (2005), "Karaites" *Encyclopadia of Religion*, Second Edition, Editor in Chief, Lindsay Jones, Thomson, Gale, Macmillan Reference, U, S, A., vol. 8.
26. Sherbok, Dan Cohn, (2005), *Judaism, History, Belief and Practice* , Routledge Taylor & Francis.
27. Sirat, Colette, (1985), *A History of Jewish philosophy in the Middle Ages*, Cambridge University Press.
28. Wald, Stephen G. (2007), "Talmud" *Encyclopedia Judaica*, Second Edition, Michael Berenbaum (ed.), Macmillan Reference, U S A., Jerusalem, Keter Publishing House, Thomson Gale, vol.19.